

THE NEW YORK TIMES BEST-SELLING CLASSIC

"THE LONG HALLOWEEN is more than a comic book. It's an epic tragedy."

— Christopher Nolan (director *The Dark Knight Rises*)

«بتمن: هالووین طولانی»

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت ششم)

BATMAN THE LONG HALLOWEEN



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بتمن: هالووین طولانی»



نویسنده: جف لوب

طراح: تیم سیل

1997

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت ششم)

هالووین طولانی بیش از یک کتاب کمیک است. این یک تراژدی حماسی است.

کریستوفر نولان، کارگردان سه گانه شوالیه تاریکی



کارلا ویتی: انگیزه یعنی فرصت، دنت، خیلی خب بزارید واضح بگم...



کارلا ویتی: ای روانی دیگه نباید خانواده من رو بترسونه، دیگه تمومه!



گزارشگر: انتظار داری باور کنیم که یه کارمند دولتی محترم...



هاروی دنت: نمی دونم چرا این آشغال رو نگاه می کنی...



گیلدا دنت: حقیقت داره؟



هاروی دنت: این مزخرفات رو باور می کنی؟!



هاروی دنت: برای همین طلاق می خوام؟!



گیلدا دنت: من هیچوقت این حرف رو نزدم، در مورد مشاوره حرف میزنم...



هاروی دنت: شاید طلاق هم خیلی بد نباشه، حالا که دیگه نمی تونی برگردی پیش اون...



چنده نمک نشناس!



هاروی دنت: شرمنده، نمی دونم چرا اون حرف رو زدم...



هاروی دنت: برای دادگاه دیرم میشه...



هاروی دنت: در زیرزمین رو دوباره باز گذاشتی...



گیلدا دنت: امروز توی زیرزمین نرفتم!









قاضی: آقای دنت؟



قاضی: آقای دنت، آماده ارائه هستید؟

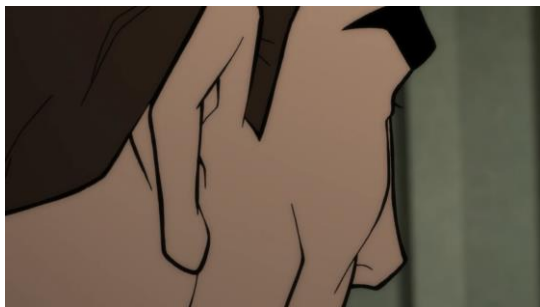


هاروی دنت: چی؟!





هاروی دنت: بله، بله عالیجناب، ممنونم...



قاتل



هاروی دنت: چی؟!





قاضی: ازتون پرسیدم آماده هستید یا نه، آقای دنت؟



هاروی دنت: بله، قطعاً...



هاروی دنت: آقای مارونی شما اعتراف کردید به نوزده فقره...



اعتراف



هاروی دنت: کی بود؟!





جیمز گوردون: داره چیکار می کنه؟!



مونتایا: اون اینجاست، کمیسر، روی پشت بام...



قاضی: جناب دادستان هممون منتظریم!



هاروی دنت: بله، بله، عذر می‌خواهم، عالیجناب!



جیمز گوردون: واقعا لازم بود من رو از دادگاه بکشی بیرون؟!



بتمن: لازمه یه مطلبی رو توی خلوت بهت بگم...



جیمز گوردون: هاروی اونجا داره عقلش رو از دست میده...



جیمز گوردون: فکر کنم این همه گمانه‌زنی در رسانه‌ها درباره هاروی و قاتل تعطیلات...



جیمز گوردون: خلوت؟! چرا؟





جیمز گوردون: کجا پیداشون کردی؟



بتمن: از جوابش خوشت نمیاد...



سالواتور مارونی: بله، فرانکی گاتسو و داداشش رو کشتم...



جميعيت: هاهاهاهاهاها



جميعيت: هاهاهاهاهاها



حالا



سالواتور مارونی: حالت خوبه دنت؟



سالواتور مارونی: چیه، همه وجودت داره می‌سوزه؟!



هاروی دنت: آقای مارونی...



هاروی دنت: باید یادآوری کنم که مصونیت شما مشروط به شهادت صادقانه در این دادرسیه...



سالواتور مارونی: و من هم حقیقت رو گفتم، فالكونی آزارش به یه مورچه هم نمیرسه!



هاروی دنت: داری چیکار می کنی؟!



سالواتور مارونی: چیزی که می‌دونم رو میگم...



هاروی دنت: خیلی خب!



هاروی دنت: عالیجناب با توجه به...



باید بمیره



هاروی دنت: تغییر عقیده شاهد، باید درخواست تعویق دادرسی رو بدم...



سالواتور مارونی: تعویق؟ چی هست؟ مثل یه روز تعطیل میمونه؟!



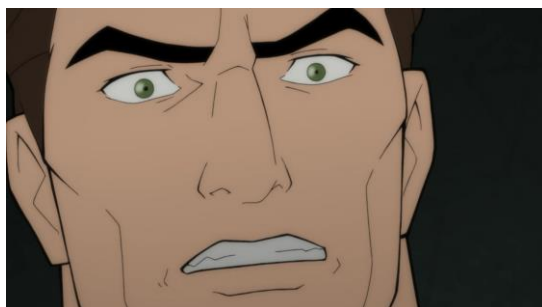
هاروی دنت: چی؟!



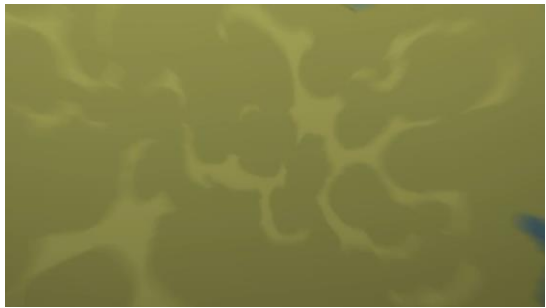
قاتل تعطیلات

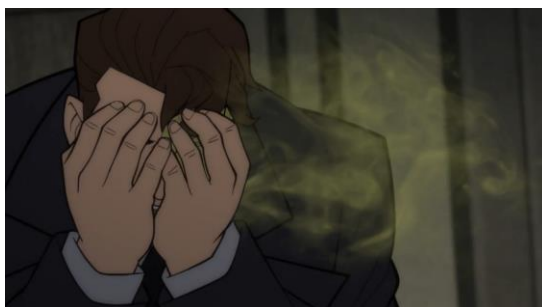


سالواتور مارونی: می‌دونی مثل روز پدر...



سالواتور مارونی: این به خاطر پدرمه...

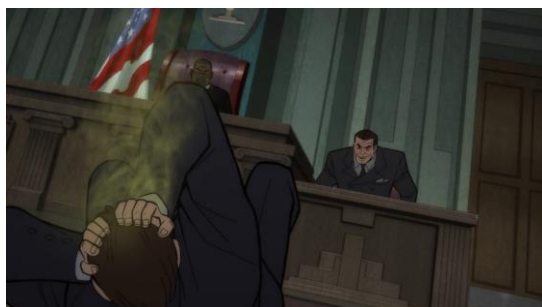




هاروی دنت: آآآآآآآآخ!



جمعیت: خدایا!



سالواتور مارونی: می سوزه، مگه نه؟!



قاضی: نگهبان، شاهد رو بازداشت کن!



سالواتور مارونی: این تقاص توئه، قاتل تعطیلات!



سالواتور مارونی: این اسیدها سیمان رو هم سوراخ می کنن!



سالواتور مارونی: هاهاهها



جمعیت: وای خدای من!





قاضی: آمبولانس خبر کنین...





گزارشگر: در حال حاضر یک سوال ذهن مردم را آشفته کرده، آیا دادستان قاتل تعطیلات است؟!



گزارشگر: تنها چیزی که مشخص شده، این است که جراحتهای آقای دنت...



احمق‌ها، فکر می‌کنن تو قاتل تعطیلات هستی...



هاروی دنت: تو کی هستی؟!



خودت می دونی من کی‌م...



هاروی دنت: نه، نمی‌دونم...



من خود تو هستم، خشم، نفرت، قدرت...



هاروی دنت: خدایا، چرا باید این بلا سر من بیاد؟!



به نظر خسته می‌ای، چطور به من ادامه بدم...



مطمئن باش که ما می‌تونیم کارای بزرگی بکنیم...



هاروی دنت: نمی‌دونم چه اتفاقی داره میفته...



متاسفم که کسی بهت نگفت، هاروی...



هاروی دنت: چی رو بهم بگن؟!



اینکه تو مردی...



و حالا نوبت منه....



رررررینگ



هاروی دنت: باید جوابش رو بدم!؟



البته...





هاروی دنت: بله؟



هاروی دنت: حالا؟ آخه الان...



هاروی دنت: نه، اتفاقاً بهترین زمانه!



جیمز گوردون: با جراحی پلاستیک درست میشه، نگران نباش...

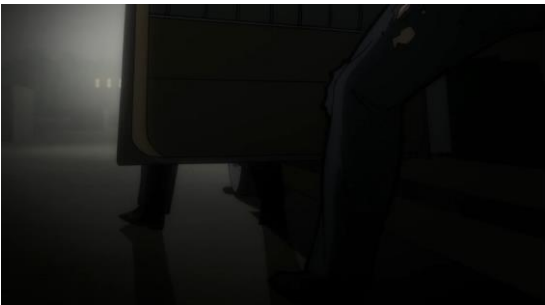


دکتر: اوه خدا، اون رفته!



جیمز گوردون: خیابون رو ببندید، نباید دور بشه...







کارماین فالكونی: متاسفانه نه...



هاروی دنت: آره، تو آدمی نیستی که کار خلاف رو خودت بکنی...



کارماین فالكونی: تو هیچی درباره من نمی دونی...



هاروی دنت: می دونم که یه دروغگویی، یه دزد، یه قاتل!



کارماین فالكونی: یه پدر!



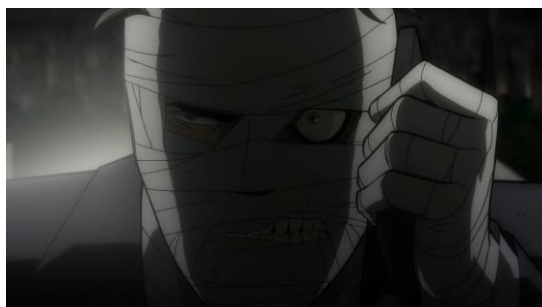
کارماین فالكونی: کاش به جای پسر، من رو می کشتی...



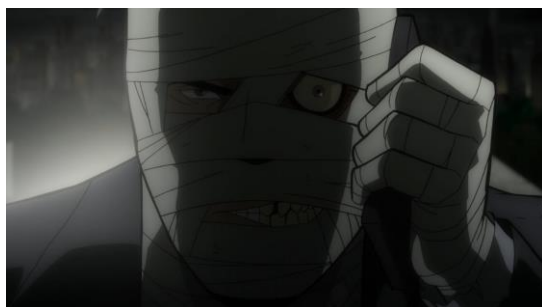
کارماین فالكونی: اینجوری مجبور نبودم هر روز بمیرم....



هاروی دنت: پسر تو من نکشتم، ولی خودت رو می کشم!



کارماین فالكونی: خداحافظ، قاتل تعطیلات.



بوق بوق بوق



هاروی دنت: باشه...



هاروی دنت: می‌خواد باهاتون حرف بزنه...



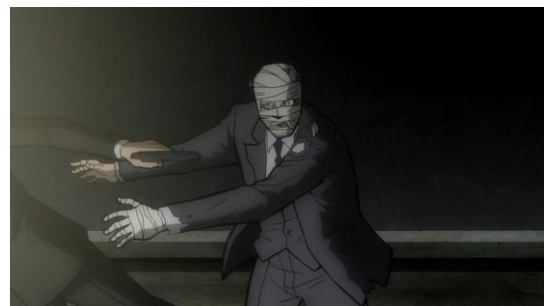


بنگ



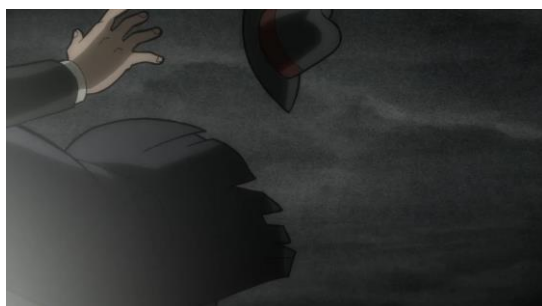


بنگ





بنگ





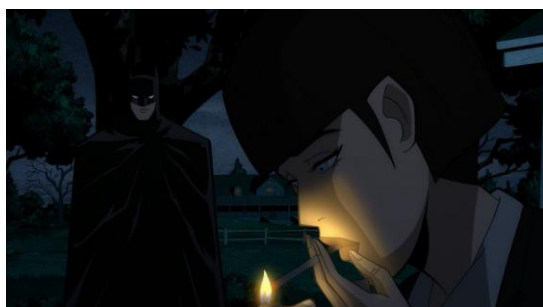
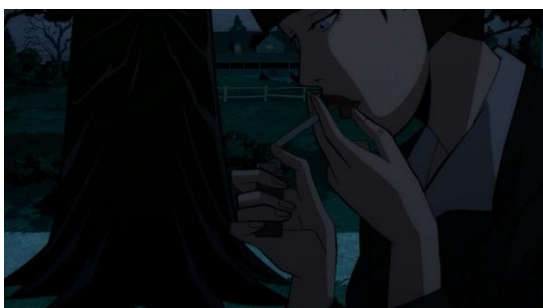
کارلا ویتی: زودباش دیگه، جونش در اومد!





تررق





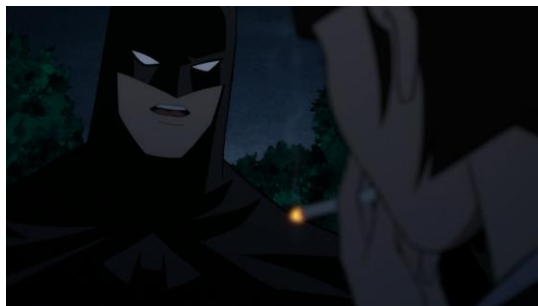
گیلدا دنت: آه، تو؟!



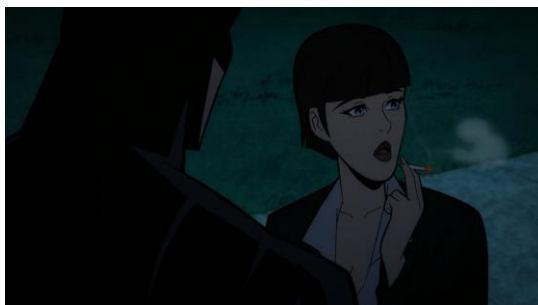
بتمن: متاسفم، نمی خواستم بترسونمتون...



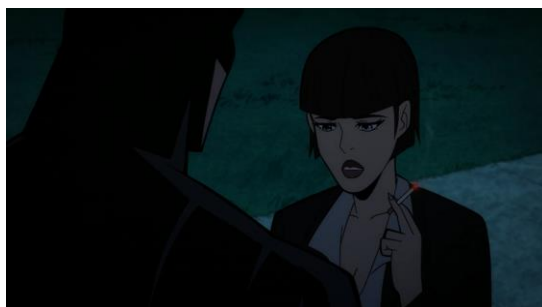
گیلدا دنت: الان نباید دنبال هاروی باشی؟!



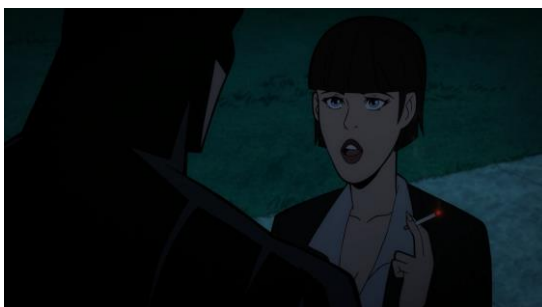
بتمن: دارم با حرف زدن با آشنایانش، مکان تقریبیش رو محدود می کنم....



گیلدا دنت: آشنا...



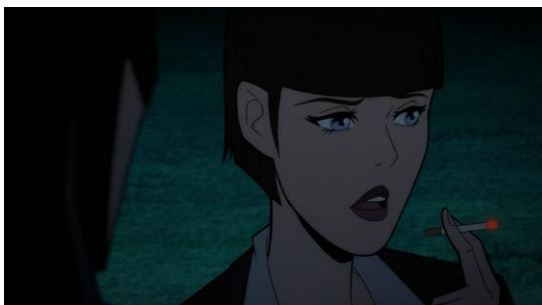
گیلدا دنت: خب، داری وقتت رو هدر میدی...



گیلدا دنت: اون مرد یه معماست!



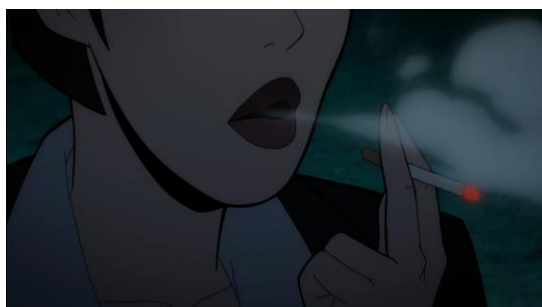
بتمن: به تازگی متوجه تغییری در رفتارش نشدین؟ مثلاً بدخلقی‌های ناگهانی...



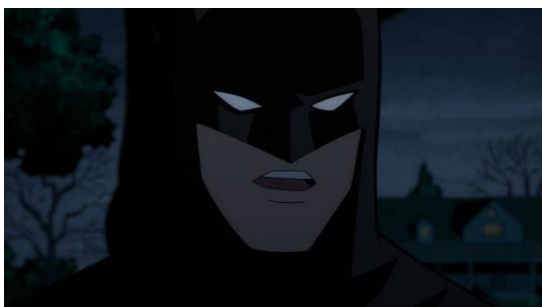
گیلدا دنت: وقتی هر روز با آدمای تبیه‌کار سر و کله بزنی، بدخلقی چیز عجیبی نیست...



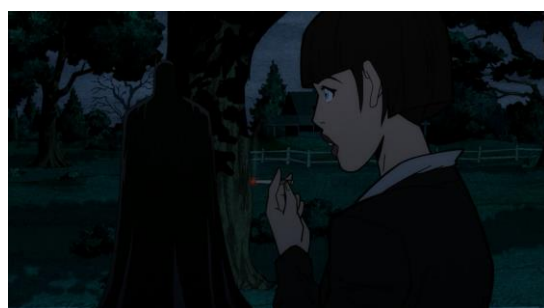
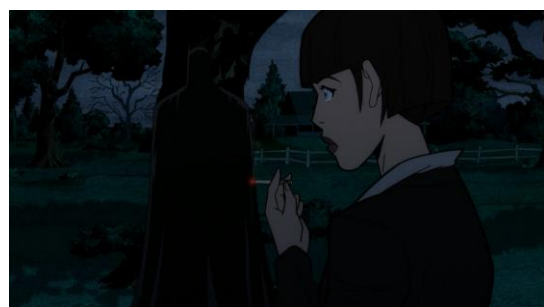
بتمن: هاروی هیچوقت نگفت تحصیل کرده آکسفورد بوده...



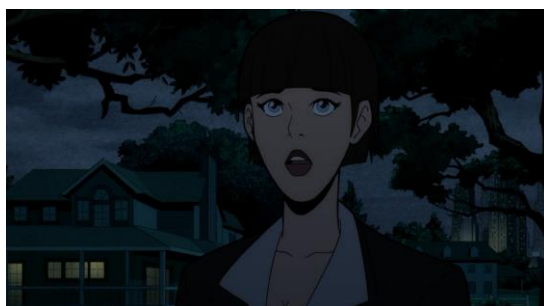
گیلدا دنت: مهمه؟



بتمن: برای من کوچک‌ترین جزئیات، مهم‌ترین هستن...



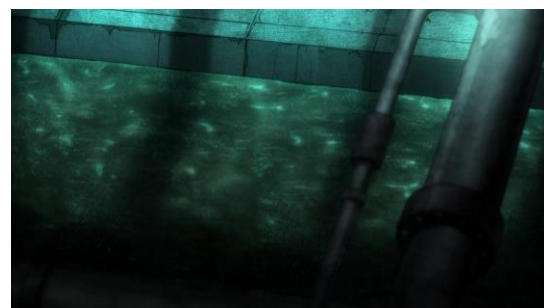
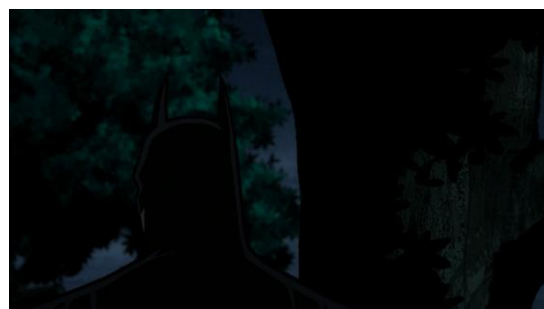
گیلدا دنت: این اصلا به نظر نمیاد که فقط یه کار باشه برات...

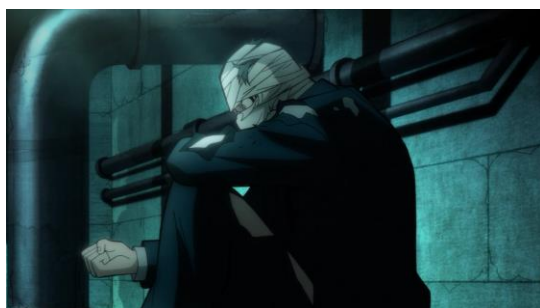
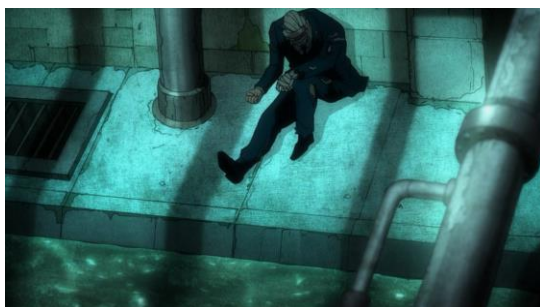


گیلدا دنت: انگار شخصیه، چرا؟!

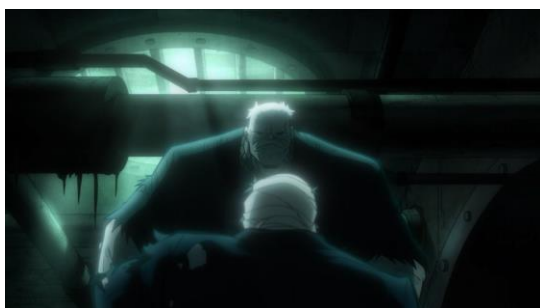


بتمن: هاروی دوست من و امید گاتهامه، الانم به کمک احتیاج داره...





هاروی دنت: ممنون که من رو هم توی غذای خودت شریک می کنی...

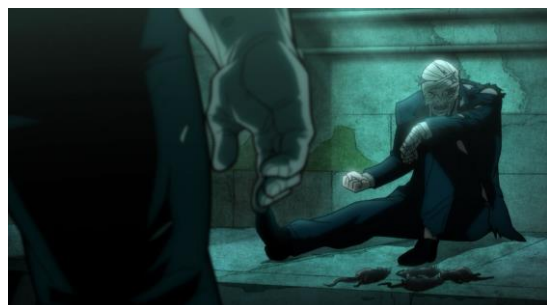




سلیمان گراندی: گراندی، روز دوشنبه متولد شد...



هاروی دنت: سه‌شنبه غسل تعمید داده شد...



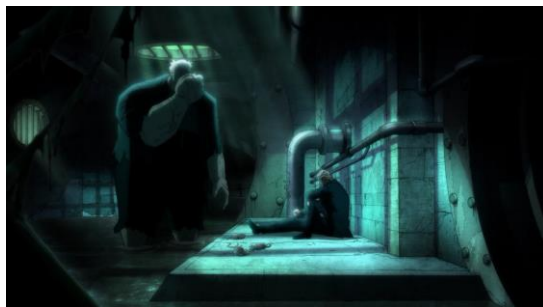
هاروی دنت: چهارشنبه ازدواج کرد...



هاروی دنت: پنج‌شنبه مریض شد...



هاروی دنت: جمعه حالش بدتر شد...



هاروی دنت: شنبه مرد...



هاروی دنت: یکشنبه دفن شد...



هاروی دنت: اینقدر گفتمی که حفظش شدم!



سلیمان گراندی: گراندی روز دوشنبه متولد شد...



هاروی دنت: دوباره متولد شدی، احیا شدی...



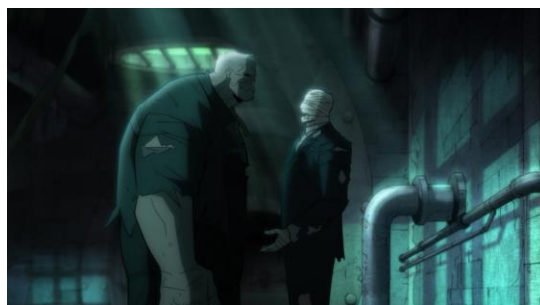
سلیمان گراندی: گراندی روز دوشنبه متولد شد...



هاروی دنت: این اتفاق برای من هم افتاده...



هاروی دنت: مردم و دوباره زنده شدم...



هاروی دنت: یه مرد می‌تونه دو زندگی داشته باشه...





سلیمان گراندی: گراندی روز دوشنبه متولد شد...



هاروی دنت: بله، حق با توئه...



دیگه پنهان کاری بسه...



هاروی دنت مرد...



و دوچهره متولد شد!





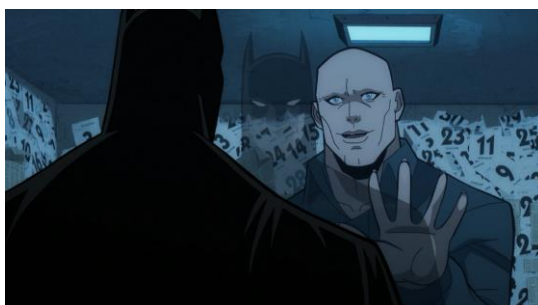
کلندر من: امروز، روزیه که بیشتر اذیت می‌کنه، چون فردا شب که برسه، یک سال میشه که درگیر این...



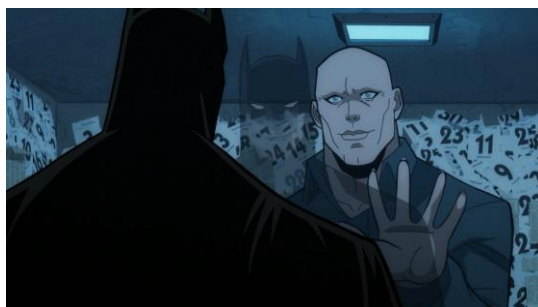
بتمن: اون کجاست؟



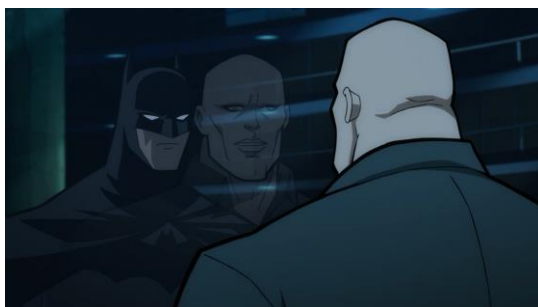
کلندر من: ماه‌هاست که نیومدی...



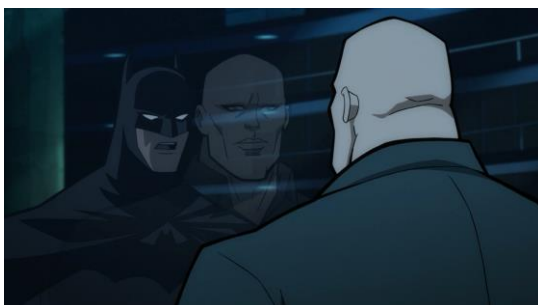
کلندر من: دلم برات تنگ شده بود!



بتمن: دادستان بهش حمله شد و صدمه دید، بعد از بیمارستان فرار کرد...



کلندرمن: خب، کجاش عجیبه؟!



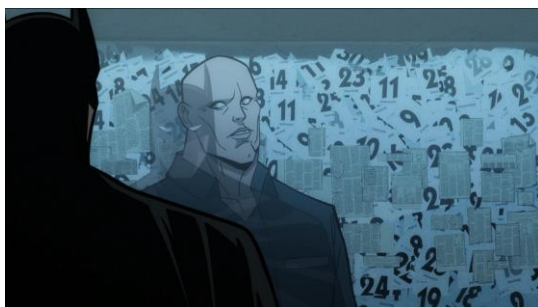
بتمن: یک ساعت بعد، توی همون شب، کارلا ویتی که عملا دنت رو متهم به قتل می کرد...



بتمن: توی عمارت برادرش به قتل رسید...



کلندرمن: می دونم، چه افتضاحی!



کلندرمن: این اتفاق، فرضیه‌ای که ازش متنفری رو تایید می‌کنه...



بتمن: فکر می‌کنم کارلا درست می‌گفته...



کلندرمن: البته که همچین فکری می‌کنی، هرکی مزاحم دنت شده، مرده...



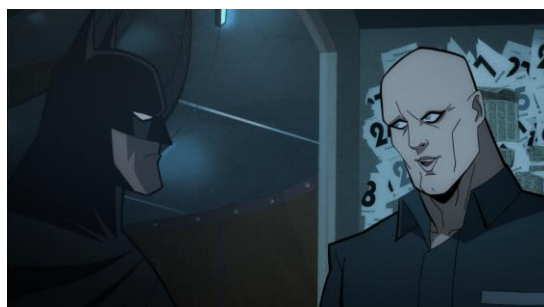
بتمن: باید هاروی رو قبل از اینکه دوباره کسی رو بکشه، پیدا کنم...



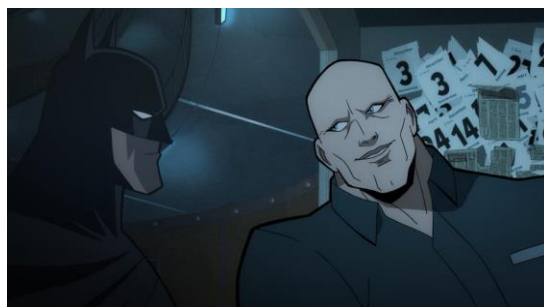
بتمن: بهم بگو چی می‌دونی؟



کلندرمن: گوردون هم اینجا بود و همین سوال رو پرسید...



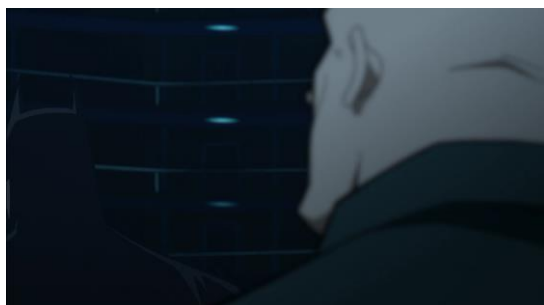
کلندرمن: همون جوابی که به گوردون دادم رو بهت می‌گم...



کلندرمن: بذار از اینجا پیام بیرون تا جلوی قتل‌ها رو بگیرم!



بتمن: تو خودت یه قاتلی!



کلندرمن: فردا شب، شب هالووینه، و اگه روندش مثل سال قبل باشه...



کلندرمن: فکر می کنم قاتلمون بیاد بیرون...



کلندرمن: و اونوقت تو با بزرگ ترین چالش زندگیت مواجه میشی...



کلندرمن: شوالیه تاریکی در برابر شوالیه سفید گاتهام!





جیمز گوردون: توی خیابون اتویل به سمت شمال برو...



مامور پلیس: قربان، زندان در جنوبه...



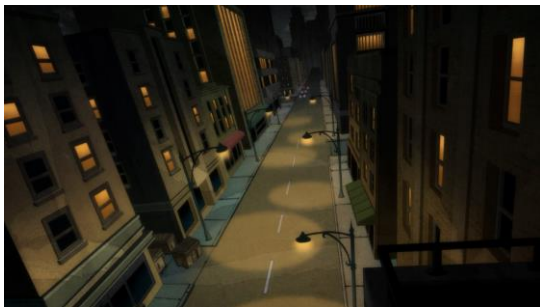
جیمز گوردون: خودم می‌دونم!



سالواتور مارونی: این طولانی‌ترین انتقال زندانی که دیدم...



سالواتور مارونی: مثل اینکه دلتون نمیاد از من دور بشین!





مامور پلیس: معلوم نیست کمیستر واسه چی برای مارونی تور شهرگردی گذاشته؟!



تلقی





درق





ماموران پلیس: آآآآی!



تررق





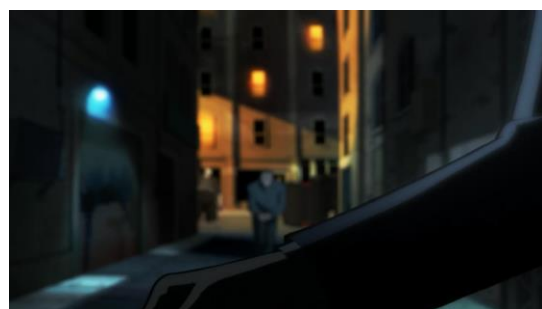
هووووچ



دللللق







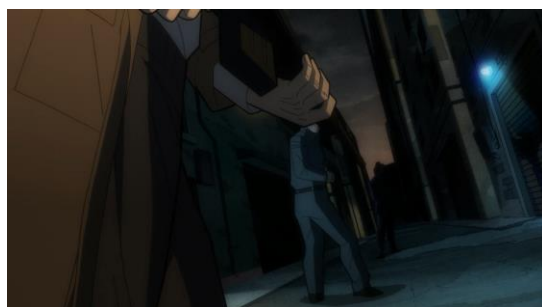
سالواتور مارونی: دنت؟!



سالواتور مارونی: فکر می کردم مردی...



نصفه!



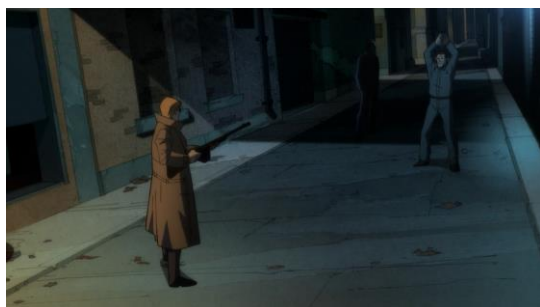
جیمز گوردون: خیلی خب، کافیه دیگه!



سالواتور مارونی: من که تسلیمم!



جیمز گوردون: مطمئن بودم که میای تا مارونی رو بکشی...



نگران نباش، برای کشتن مارونی نیومدم...



اومدم که عدالت رو در حقش اجرا کنم...





با قانون خودم!



سالواتور مارونی: اوه، پسر!



جیمز گوردون: هاروی!



بابت تفنگی که بهم سال پیش دادی، متشکرم جیم...



می‌دونم که دنت مجاز به حمل اسلحه نبود، ولی خب، اون دیگه نیست...

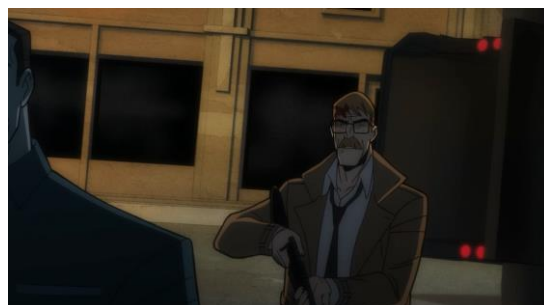




سالواتور مارونی، شما متهم به قتل هاروی دنت هستید...



سالواتور مارونی: شوخیت گرفته، تو که اینجاایی!



جیمز گوردون: اگه تو هاروی دنت نیستی، پس فکر می کنی کی هستی؟!



جیمز گوردون: قاتل تعطیلات؟! تفنگ های توی زیرزمینت رو پیدا کردیم...



اسلحه توی زیرزمین من؟!



البته...



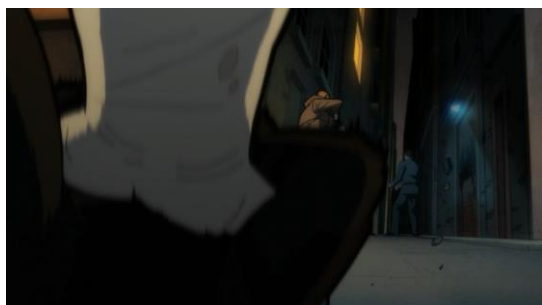
جیمز گوردون: ما همه چیز رو می دونیم و فقط می خوایم کمکت کنیم...



نمی‌تونی جنایت رو شکست بدی، نه با این روش...



برای غلبه به جنایت باید اول از جنس جنایت بشی...

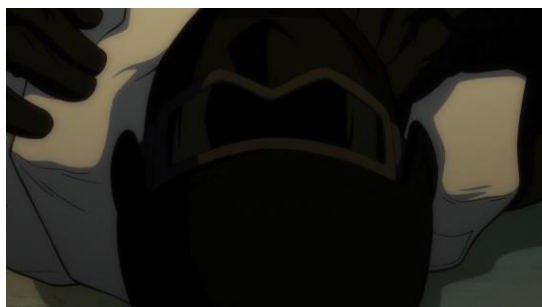


تلقی





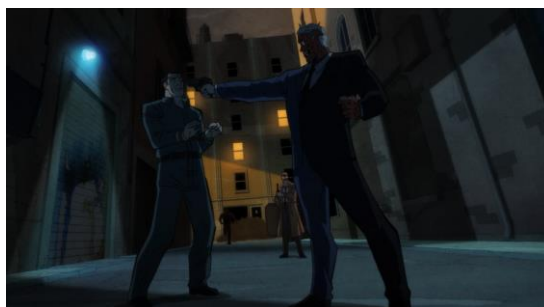
اگه شیر بیاد، مردی، اگه خط بیاد، زنده می‌مونی!



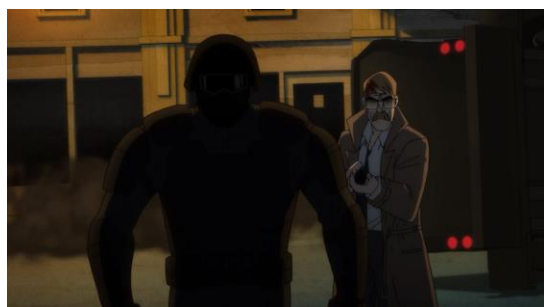


م۹۹۹۹





تصمیمش با خودته هاروی...



هر دوی ما خوب می‌دونیم که دو طرف سکه شیره!



تو از کجا...

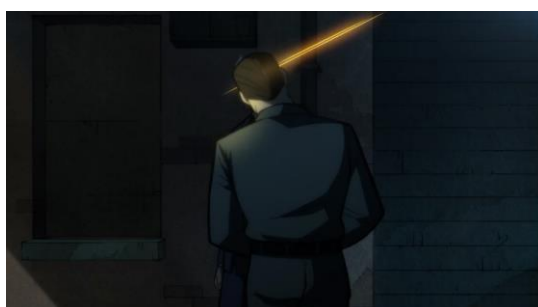
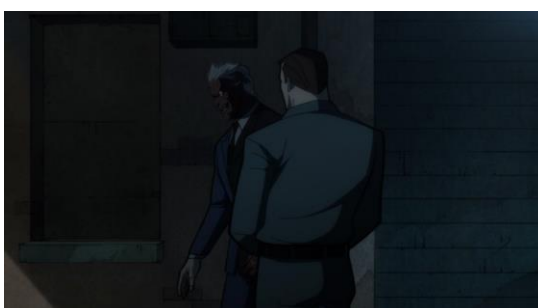


تو همیشه آدم رو غافل گیر می کنی، فکر کنم این تله ایده تو بوده...

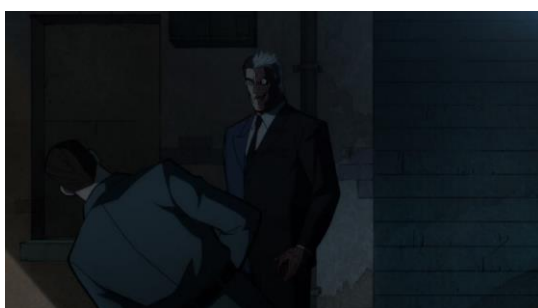


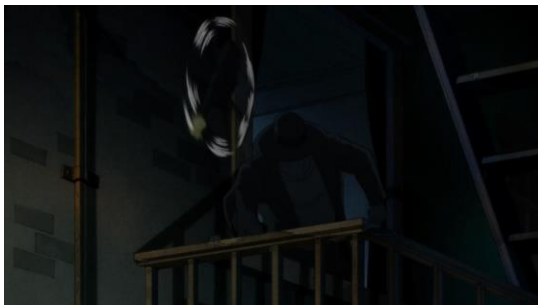
جیمز گوردون: تفنگ رو بنداز روی زمین، همین حالا!



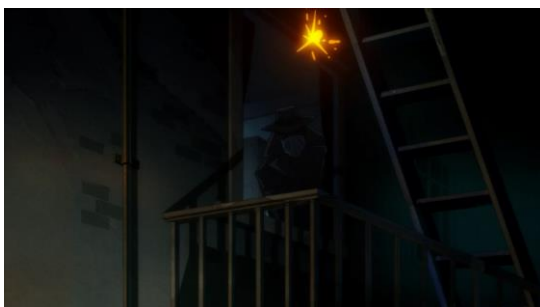


بنگ

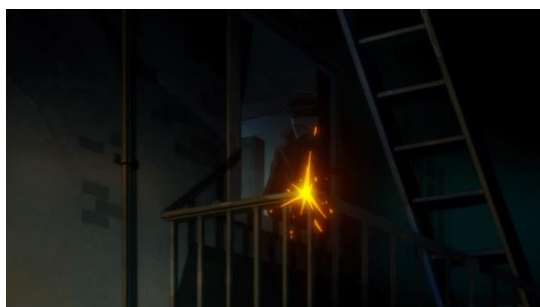




هوووج



بنگ



بنگ





نه!



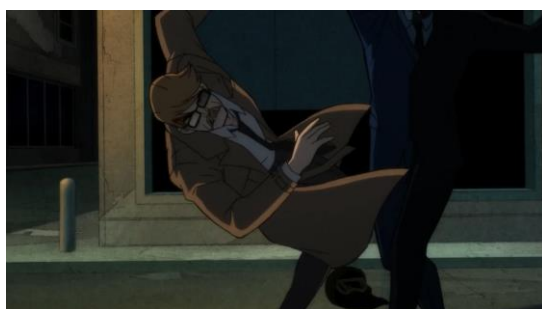
شتلق





شرق





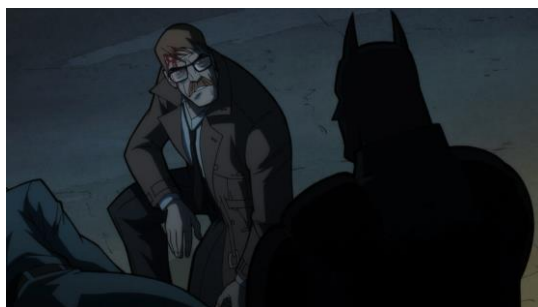
شترق



زودباش گراندی، تکون بخور!

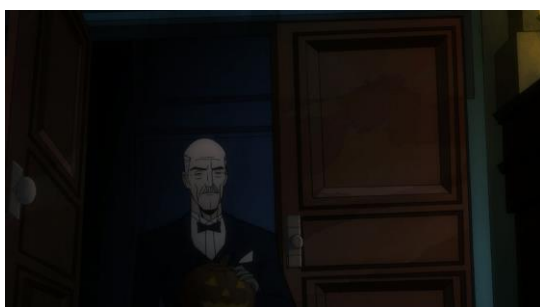


بتمن: حالت خوبه؟



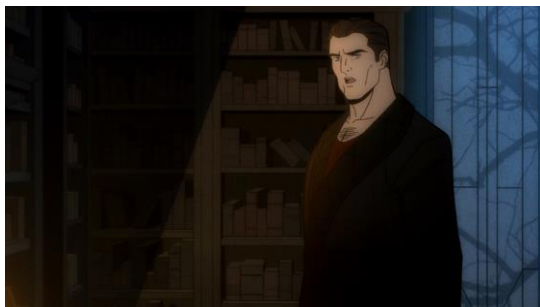
جیمز گوردون: اصلاً نمی‌دونیم، هیچی نمی‌دونیم، یک ساله درگیر این پرونده‌ایم و هیچی نمی‌دونیم...





آلفرد پنیورث: زود بیدار شدید، قربان...





بروس وین: خوابم نمیبره...



آلفرد پنیورث: باید یه کم استراحت کنید، از بعد از مفقود شدن آقای دنت، شما دچار بی خوابی شدین...



بروس وین: چرا پدرم کارماین رو نجات داد؟!





بروس وین: اگه کارماین نبود، خانواده فالكونی به قدرت امروزش نمیرسید...



بروس وین: آدمای بی گناه زیادی هنوز زنده بودن و هاروی هم دیوانه نمیشد...



آلفرد پنیورث: پدرتون در زندگی یه فلسفه داشت، یه اصل اساسی...



آلفرد پنیورث: اون اعتقاد داشت دست کسی که به طرفت برای کمک خواستن، دراز شده رو نباید پس بزنی...



بروس وین: حتی اگه اون دست متعلق به شیطان باشه؟!



آلفرد پنیورث: اگه کسی بتونه در حق دیگری کار خوبی انجام بده، وظیفه اخلاقیشه که اون کار رو انجام بده...



آلفرد پنیورث: انتخاب نیست، مسئولیته!



بروس وین: این مسئولیت منه که بفهمم کی قاتله و همین طور، نذارم هاروی قاتل بشه...



آلفرد پنیورث: روزی که بتمن شدید، بدترین روز زندگی من بود...



آلفرد پنیورث: مطمئن بودم که وجود بتمن به نفع شهره، به نفع مردمه، ولی...



آلفرد پنیورث: این شما رو مجبور می کنه با درد خو بگیرید، رنج و مصیبت رو لمس کنین...



آلفرد پنیورث: شما و دنت هردوتون، برای نجات شهر، در هر لحظه بر لبه پرتگاه راه رفتید...



آلفرد پنیورث: ولی فرق شما دو نفر اینکه، اون سقوط کرد و شما همچنان نکرديد...



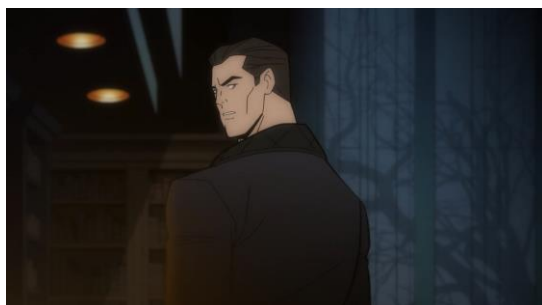
بروس وین: می‌خوام نجاتشون بدم، هم شهر رو و هم هاروی رو...



بروس وین: باید اون قاتل مرموز رو پیدا کنم، ولی مهم‌تر از اون باید هاروی رو متوقف کنم...



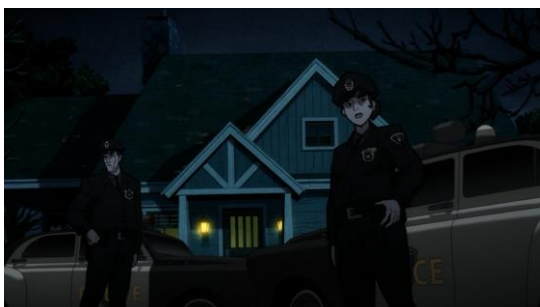
بروس وین: هیچکدوم از مظنونین قبلی ما قاتل تعطیلات نبودن، این یعنی ما هنوز هیچی نمی‌دونیم...



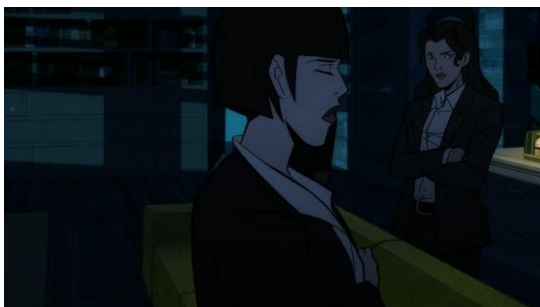
بروس وین: یه حسی بهم میگه که جواب این معما درست روبه‌روی منه و من نمی‌بینمش!



آلفرد پنیورث: سال پیش گفتم، الان هم میگم، یقین دارم شما این پرونده رو حل می‌کنید!



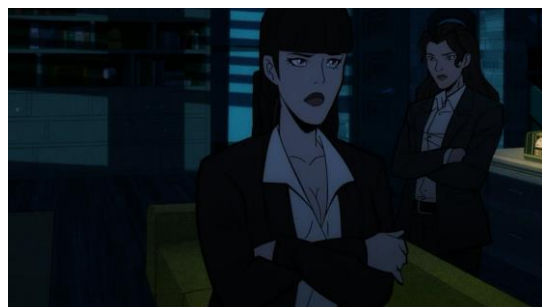
گیلدا دنت: این مسخره است!



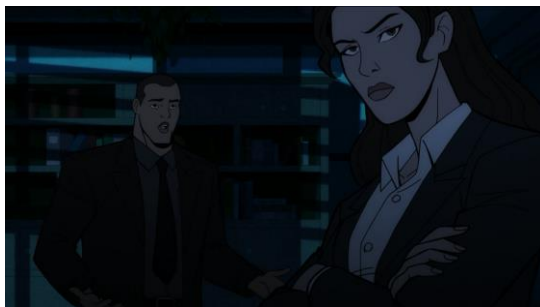
مامور پلیس: ببخشید که مزاحم شدیم خانم دنت، ولی هالووینه...



مامور پلیس: آقای دنت هنوز فراریه و کمیسر به ما دستور داده که مراقب شما باشیم...



گیلدا دنت: جلوی ماشینم رو گرفتین...



مامور پلیس: هر جا می‌خواید برین ما می‌بریمتون...

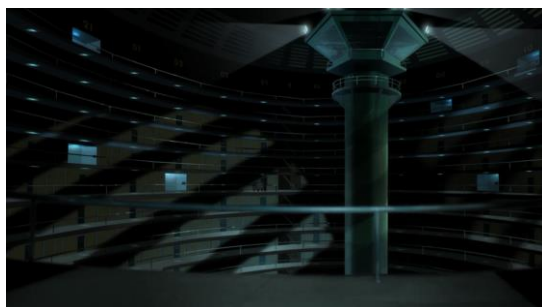


مامور پلیس: اصلا معلوم نیست اقدام بعدی شوهرتون چی خواهد بود...



گیلدا دنت: شوهر من مرده!

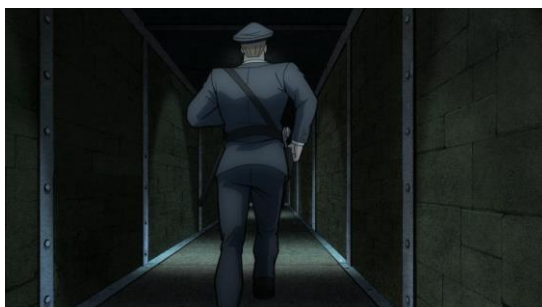




نگهبان: بیدار شو!



نگهبان: می‌دونی که امروز چه روزیه؟



نگهبان: این صداها چیه؟!



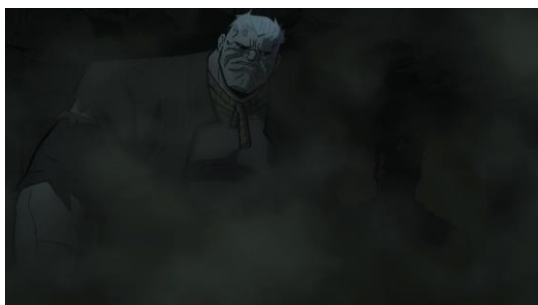
ترق شترق تلق

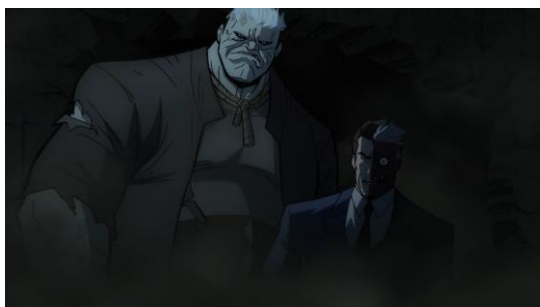


بوووم

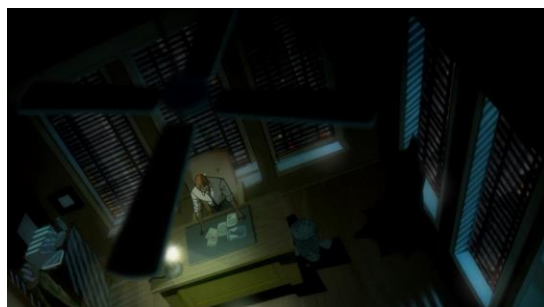


نگهبان: آخ!





هالوین مبارک!



بتمن: اینکه وسط خیابون اونجوری حمله کرد، با شیوه‌اش جور در نمیاد...



جیمز گوردون: پس مزدور پولی بوده...



جیمز گوردون: دنت و قاتل تعطیلات رو هم‌زمان و یک‌جا با هم دیدیم...



جیمز گوردون: و به همین راحتی دادستان یه بهانه برای اثبات بی‌گناهی‌ش پیدا کرده...



جیمز گوردون: ولی مشکل اینکه هاروی دیگه نمی‌خواد به زندگی عادی‌ش برگرده، پس نیازی به اینکار نداره!



جیمز گوردون: ما قبلاً هم به هاروی شک کردیم و از روی احساسات ندیدش گرفتیم، نباید دوباره اتفاق بیفته...





بتمن: هاروی توی آکسفورد تحصیل می کرد؟ مثل پسر فالكونی؟!



جیمز گوردون: نمی دونم به چی می خوای بررسی، ولی نه، هاروی فارغ التحصیل دانشگاه حقوق گاتهامه!



جیمز گوردون: اون خرخون ترین آدم گاتهام بوده، و حالا یه شبگرد متعصبه...



جیمز گوردون: ولی اگه کمکت می کنه، گیلدا دنت چند سال توی آکسفورد بوده...



جیمز گوردون: فقط دو سال، بعدش انصراف داد و اومد بیرون...



جیمز گوردون: خب، برسیم به بحث خودمون...



جیمز گوردون: هیچ سرنخی نداریم که به جایی برسه...



جیمز گوردون: و تمام چیزایی که برای متهم کردن دنت باشه رو داریم...



بتمن: باورش سخته که مردی که با ما عهد بسته بود، از خط قرمز رد بشه...



جیمز گوردون: واقعا می‌تونم بگی مردی که توی کوچه کتکمون زد، همون هاروی سابق بود؟!



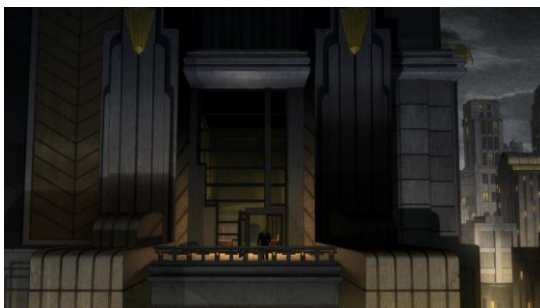
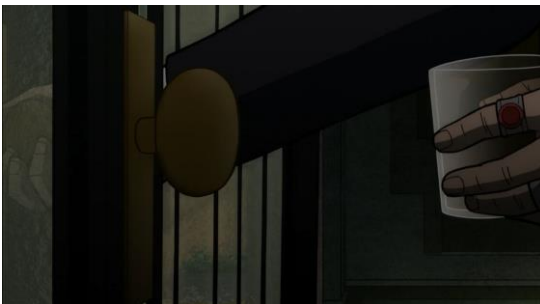
جیمز گوردون: اون زخم‌های زیادی داره، منظورم صورتش نیست...

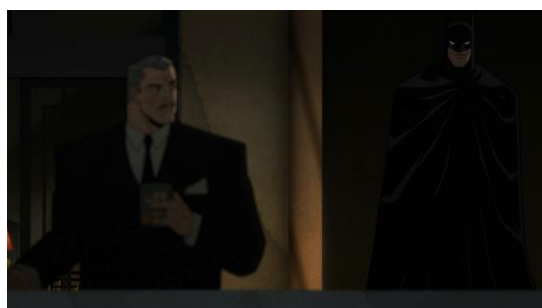
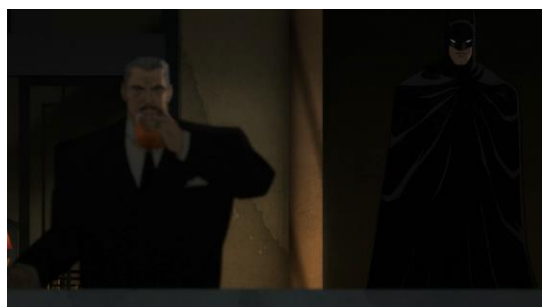


جیمز گوردون: اگه فکر می‌کنی کس دیگه‌ای قاتل تعطیلاته، پیداش کن...



جیمز گوردون: ولی فعلا بهترین راه برای نجات هاروی، دستگیر کردنشه...





ادامه دارد...

DC DELUXE

BATMAN

THE LONG HALLOWEEN

JEPH LOEB TIM SALE

